

تحلیلی بر اثرگذاری اشتغال زنان مناطق عشایری بر اقتصاد خانوارهای آنها (مطالعه موردی: عشایر شهرستان چراداول)

علی‌رضا جمشیدی^۱: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
سیداسکندر صیدایی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
معصومه جمشیدی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
داود جمینی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

زنان عشایر به شیوه‌های گوناگونی بر اقتصاد خانواده تأثیر می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تأثیرگذاری اشتغال زنان در بخش صنایع دستی می‌باشد. زیرا اشتغال در این بخش علاوه بر تأمین بخشی از نیازهای خانوار، می‌تواند یکی از منابع مهم درآمدی خانوارها نیز باشد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر اشتغال زنان مناطق عشایری (نیمه کوچنده) در صنایع دستی بر اقتصاد خانوار آنها در دهستان زردلان واقع در (بخش هلیلان) شهرستان چراداول از استان ایلام می‌باشد. در این مطالعه برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی استفاده شده و اطلاعات میدانی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بدست آمده است. محدوده جغرافیایی پژوهش شامل ۲۶ روستا می‌باشد که ۵۴/۱۶ درصد از کل روستاهای منطقه‌ی مورد مطالعه را شامل می‌شود. این روستاها که به عنوان روستاهای هدف انتخاب شده‌اند، دارای اقتصاد مبتنی بر دامداری هستند. همچنین زنان عشایر منطقه مورد مطالعه به تولید محصولات و صنایع دستی مانند سیه مال، چیت، گیوه، مونج‌بافی، جاجیم‌بافی، وسایل چوبی آشپزخانه و ... می‌پردازند. جامعه آماری تحقیق شامل زنان بالای ۱۲ سال (عشایر نیمه کوچنده) دهستان زردلان می‌باشد ($N = 2891$) که از این میان ۱۹۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران ($d = 0.05$) و $p \leq 0.05$ و به روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. نتایج نشان داد، عواملی مانند تکنولوژی ابتدایی برای تولید، دوری به شهر و انزوای جغرافیایی، کمبود مشتری، عدم وجود بازار برای محصولات تولیدی آنها و عدم حمایت مسئولین زمینه‌ساز دستیابی کمتر زنان به درآمد از طریق صنایع دستی در منطقه‌ی مورد مطالعه می‌باشند. همچنین نتایج حاصل از t تک نمونه‌ای تأثیر اشتغال زنان عشایر در صنایع دستی را بر اقتصاد خانواده‌آنها به دلیل وجود مشکلات موجود تأیید نکرد.

واژه‌های کلیدی: زنان عشایر، صنایع دستی، اقتصاد عشایر، مناطق عشایری، دهستان زردلان.

^۱ نویسنده مسئول، alireza472003@yahoo.com، ۰۹۱۸۸۴۴۱۲۸۱

بیان مسأله:

انسان در طول تاریخ تاکنون سه نظام اجتماعی با اوضاع و شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گوناگونی را تجربه نمود که به سبب توانایی محدود نظام قبلی در رفع نیازها و ارضاء خواسته‌های بشر، نظام اجتماعی جدید پا گرفته است. در حال حاضر زندگی عشایری و شیوه کوچ‌نشینی به عنوان اولین نظام اجتماعی جامعه بشری، با وجود نقش به‌سزایی که در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۹)، با چالش‌های متعددی مواجه بوده که شیوه زندگی کوچ‌نشینی را به سمت اضمحلال و افول سوق می‌دهد (شکور و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). اهمیت کارکردی این شیوه از زندگی در کشوری همچون ایران قابل توجه و تأمل بوده که در بیان وجهی از این اهمیت می‌توان به نقش زندگی عشایری (دامداری) در اقتصاد ملی اشاره داشت (اولیایی، ۱۳۶۹؛ خاکی‌پور، ۱۳۹۰: ۴۳۱). البته لازم به ذکر است، بررسی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی تهیه و اجرا شده در کشور نشان می‌دهد که با وجود توانایی‌های جامعه عشایری، کمتر برنامه‌ای در هماهنگی با وضعیت جمعیتی، توانمندی‌ها و میزان نیازهای این جامعه تدوین و اجرا شده است؛ و بر این اساس، از نظر بسیاری از شاخص‌های توسعه و دسترسی به خدمات، میان این جامعه و جوامع شهری و روستایی شکافی بزرگ وجود دارد (صیدیایی، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۴۴؛ مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶). در جامعه پر تحرک کوچ‌دگی برای هر گروه سنی از زنان، فعالیت‌هایی مناسب وجود دارد که بیکاری در آن بسیار نادر است. زنان عشایر، با توجه به نظام ایلپاتی غالب، از جمله افرادی هستند که رده‌بندی میزان مشارکت در تولید و سهم‌پذیری در اشتغال مولد، از سایر زنان جامعه ما چه از نظر میزان اشتغال و چه از نظر میزان فعالیت در شغل سهم بیشتری دارند (صادق مغانول، ۱۳۸۹: ۲۲). در بخش فرهنگ نیز زنان عشایر به عنوان حافظان و نگهدارندگان میراث‌های فرهنگی و مذهبی، ملی جامعه عشایری محسوب می‌شوند که موارد نگهداری این میراث در قالب پوشاک اصیل و سنتی، آداب و رسوم، صنایع دستی، ترانه‌هایی به مناسب مختلف در سوز و سوگ و غیره می‌توان دید زنان عشایر به عنوان کارآمدترین نیرو در جوامع سنتی، مؤثرترین نقش را در انتقال میراث فرهنگی و سنن گذشتگان به نسل‌های آینده ایفا کرده و می‌کنند.

صنایع دستی با ویژگی‌های ارزنده‌ای از قبیل: ملی بودن، عدم وابستگی، قابلیت ایجاد و توسعه در کلیه مناطق شهری، روستایی و عشایری، عدم نیاز به کارشناسان خارجی، دسترسی آسان به مواد اولیه و ابزار کار مختصر و ارزان، ایجاد درآمد مکمل، ارزش افزوده بالا، قدرت اشتغالزایی و ... (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸)، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اقتصادی جامعه عشایری است. صنایع دستی جامعه عشایر با شهرت جهانی خود، زاینده ذوق و هوش سرشار مردمان عشایر بوده و اغلب به دست توانمند زنان عشایر تولید می‌شود (پارسایی، ۱۳۸۶؛ رضادوست و ممبینی، ۱۳۹۰: ۹۴). زنان عشایر به عنوان نیمی از پیکره جامعه عشایری کشور (سازمان امور عشایر کشور، ۱۳۸۷)، دوشادوش و همراه با مردان در کلیه ابعاد زندگی با اشتغال خود در بخش‌های مختلف، در افزایش درآمد خانوار نقش به‌سزایی را ایفا می‌کنند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۸؛ پاپزن و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۷). از طرفی با نگاهی به آمارهای ارائه شده‌ی کشور در سه دهه‌ی گذشته، مشاهده می‌شود که دلیل وجود موانع اجتماعی (بی‌سواد و پایین بودن سطح سواد و تبعیض جنسیتی)، موانع قانونی (قوانین ناظر بر خانواده و قوانین مربوط به اشتغال زنان)، موانع اقتصادی (رکود و رونق اقتصادی، مهاجرت از روستا به شهر، اعتقاد به غیراقتصادی بودن نقش زنان، کم تنوعی فرصت‌های شغلی و بالا بودن هزینه‌ی نیروی کار زنان برای کارفرمایان) و محدودیت‌های فرهنگی و سنتی، سهم مشارکت زنان در اشتغال و بازار کار بسیار کمتر از مردان است (رستمی، ۱۳۸۳). با توجه به مطالب بالا، هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی نقش زنان عشایر تولیدکننده محصولات و صنایع دستی در اقتصاد خانواده‌های عشایر است و در راستای آن به سؤالات زیر پاسخ خواهد داد.

- آیا صنایع دستی تولید شده بوسیله زنان عشایر بر اقتصاد جامعه عشایری مورد مطالعه تأثیرگذار است؟

- مشکلاتی که زنان عشایر مورد مطالعه در مسیر تولید محصولات و صنایع دستی با آن مواجه هستند کدامند؟

پیشینه تحقیق:

رستمی (۱۳۸۳)، در پژوهشی با هدف بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی به این نتیجه رسید که نسبت و میانگین جمعیت زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در طی دوره‌ی اول (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) بین ۱۰ تا ۱۲ برابر است، ولی این رقم در سال ۱۳۸۱ کاهش چشم‌گیری می‌یابد و حدوداً به ۵ تا ۶ برابر مردان می‌رسد. نسبت و میانگین جمعیت زنان شاغل بهره‌مند از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی در مقایسه با مردان در طی دوره اول (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) بین ۱۰ تا ۱۲ برابر است و این رقم در دوره دوم (۱۳۸۱) در خصوص زنان مشابه می‌باشد، ولی در مورد مردان رشد بیشتری می‌یابد. نتایج پژوهش عنایت و دسترنج (۱۳۸۷)، با هدف بررسی رابطه اشتغال زنان با عزت نفس آنان نشان داد زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار از عزت نفس بالاتری برخوردارند و اشتغال زنان می‌تواند سبب عزت نفس، موقعیت اجتماعی و خودکفایی در زن شود و در مجموع تأثیر مثبتی بر بهداشت روانی زن داشته باشد. فلاح شمسی و بیروتی (۱۳۸۷)، وضعیت اشتغال زنان در تعاونی‌های کشاورزی و منابع طبیعی در استان فارس را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد مشارکت زنان در تعاونی‌های تولیدی علاوه بر برخورداری آنان از تسهیلات اقتصادی و اجتماعی، موجبات ارتقای سطح زندگی آنها را نیز فراهم آورده است. یافته‌های پژوهش اوتادی (۱۳۸۷)، با هدف بررسی تأثیر اشتغال زنان بر سلامت روان همسرانشان نشان داد بین سلامت روان همسران زنان شاغل در قایسه با همسران زنان خانه‌دار تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که همسران زنان شاغل از سلامت روان بالاتری برخوردارند. همچنین، بختیاری (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای تأثیر اشتغال زنان بر خانواده را بررسی کرد. نتایج نشان داد در صورتی که اشتغال زنان بر شرایط زندگی فرزندان تأثیر منفی نگذارد، می‌تواند در ارتقای سطح اقتصاد خانوار مفید و مؤثر باشد.

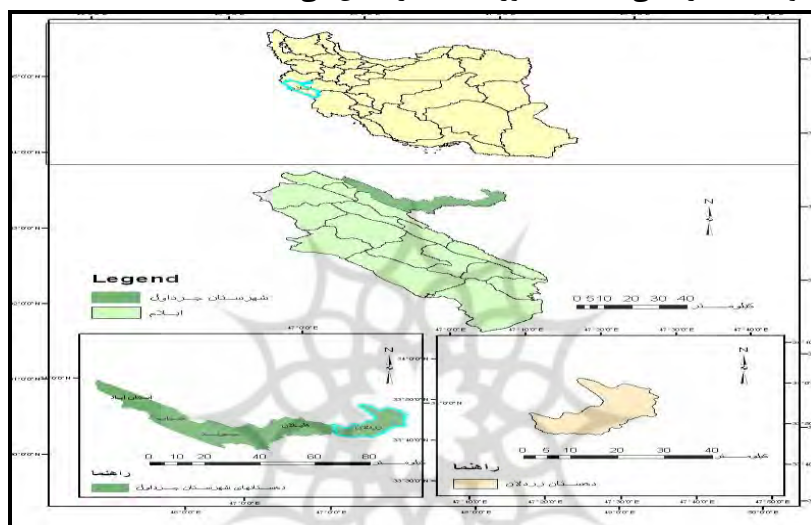
فلاح‌تبار (۱۳۸۹)، به بررسی جهانی شدن، صنایع دستی عشایر و تأثیرگذاری آن در بقاء و تداوم نظام عشایر با هدف مطرح کردن یک موضوع بنیادی در زمینه بقاء نظام معیشتی مبتنی بر کوچ نشینی با توجه به تحولات جهانی شدن پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که جهانی شدن باعث دگرگونی‌های نو و شتابناکی در عرصه فرهنگ به ویژه فرهنگ محلی و قومی شده است که نقش سنتی مکان، فضا، سرزمین، قوم و فرهنگ را در ساخت و نگهداری هویت اجتماعی - اقتصادی تضعیف می‌کند. لذا به علت تنوع در نظام معیشتی عشایر، صنایع دستی عشایر به عنوان ارزش‌های فرهنگی آنها می‌تواند در بقاء و تداوم نظام در حال فروپاشی عشایر نقش داشته باشد. جواهری و همکاران (۱۳۸۹)، به بررسی اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان که به صورت موردی در بین زنان شاغل در وزارت جهاد کشاورزی انجام گرفت، پرداخته‌اند. نتایج نشان داد افرادی که از وضعیت شغلی مناسب‌تری برخوردارند، دارای سطح کیفیت زندگی بهتری هستند. پاپزن و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی آموزش‌های فنی حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی پرداخت. آنها معتقدند با توجه به اینکه هدف از اجرای این آموزش‌ها اشتغال‌زایی در راستای توسعه اقتصادی روستا می‌باشد، اما متأسفانه به علت محدودیت اعتبارات، نبود صرفه اقتصادی تولید در سطح خرد و ... امکان اشتغال زنان روستایی در زمینه صنایع دستی بسیار محدود است.

نتایج مطالعه‌ی علیپور و مجنون (۱۳۹۱)، که با هدف تحلیل اقتصادی صنایع دستی و نقش آن در توسعه اقتصادی استان گیلان به این نتیجه رسیدند که جذب نیروی کار توسط بخش صنایع دستی علاوه بر تعادل بخشیدن به سایر بخش‌ها، تأثیر قابل توجهی بر اشتغال‌زایی غیرمستقیم دارد. همچنین، جمشیدی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال زنان روستایی در شهرستان شیروان چرداول از استان ایلام پرداخت. نتایج مطالعه وی نشان داد که با افزایش سال‌های تحصیلات، افزایش میزان زمین زراعی متعلق به زنان روستایی و افزایش تعداد افراد خانوار زنان روستایی احتمال اشتغال زنان روستایی شهرستان مورد مطالعه افزایش می‌یابد.

کویان و زی^۱ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان ورود زنان به کارآفرینی خود اشتغالی در مناطق شهری چین: نقش خانواده در ایجاد الگوهای تحرک جنسیتی به این نتیجه رسیدند که زنان متأهل که با هدف کارآفرینی خود اشتغال آموزش دیده‌اند با مسئولیت‌های خانواده برای دسترسی به خدمات در مشاغل بخش دولتی محدود شده‌اند و میزان بسیار پایین‌تر ورود به بحث خود اشتغالی را دارند. همچنین، نتایج چند پژوهش دیگر نشان می‌دهد اشتغال زنان در خانواده موجب افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنها در امور اقتصادی، نحوه تربیت فرزندان، تعیین موالید، تعیین نحوه گذران اوقات فراغت و افزایش مشارکت سیاسی - اجتماعی آنان در خانواده خواهد شد (باقری و همکاران، ۱۳۸۸؛ توسلی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ایمان و همکاران، ۱۳۹۱).

شناخت منطقه مورد مطالعه:

دهستان زردلان، یکی از دهستان‌های شهرستان چرداول از توابع استان ایلام می‌باشد. این دهستان واقع در قسمت شرقی شهرستان چرداول بوده و دارای ۲۶ روستا می‌باشد. ساختار اقتصادی آن مبتنی بر دامداری و شیوه معیشت نیمه کوچ‌نشین می‌باشد. شکل شماره ۱ موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



شکل ۱- نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی مورد مطالعه

روش تحقیق:

این پژوهش با رویکرد پیمایشی (توصیفی - تحلیلی) و با هدف بررسی تأثیر اشتغال زنان عشایر (نیمه کوچنده) در صنایع دستی بر اقتصاد خانوار آنها در دهستان زردلان واقع در (بخش هلیلان) شهرستان چرداول از استان ایلام انجام شده است. در این مطالعه برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. علاوه بر این، به منظور تقویت پایه‌های نظری و دقت در گردآوری اطلاعات، از روش‌های مطالعه اسناد و مدارک نیز استفاده شده است. محدوده جغرافیایی پژوهش شامل ۲۶ روستا می‌باشد که ۵۴/۱۶ درصد از کل روستاهای منطقه‌ی مورد مطالعه را شامل می‌شود. این روستاها که به عنوان روستاهای هدف انتخاب شده‌اند، دارای اقتصاد مبتنی بر دامداری و به صورت نیمه کوچنده زندگی می‌کنند. زنان عشایر منطقه مورد مطالعه علاوه بر فعالیت‌های روزمره مانند فعالیت‌های مربوط به خانه، تربیت و رسیدگی به فرزندان خود، فعالیت در بخش کشاورزی و دامداری به تولید محصولات و صنایع دستی مانند سیاه مال، چیت، گیوه، مونج‌بافی، جاجیم‌بافی، وسایل چوبی آشپزخانه و ... نیز می‌پردازند. جامعه آماری تحقیق شامل زنان بالای ۱۲ سال (عشایر نیمه کوچنده) دهستان زردلان می‌باشد (N = ۲۸۹۱) که از این میان ۱۹۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران ($p \& q = 0/5$ و $d = 0/07$) و به روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. همان‌طور که گفته شد، ابزار مورد تحقیق پرسشنامه‌ای بود که روایی صورتی آن با نظرخواهی از صاحب‌نظران موضوع و اساتید دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، پایایی (اعتماد) پرسشنامه

به وسیله ۳۰ پرسشنامه و از طریق پیش‌آزمون در یکی از روستاهای عشایری خارج از منطقه‌ی مورد مطالعه و با استفاده از روش آلفای کرونباخ بررسی شده که مقدار محاسبه شده ۰/۸۶ درصد بود. بنابراین پرسشنامه مورد مطالعه دارای انسجام درونی و قابل اعتماد می‌باشد.

پرسشنامه مورد مطالعه شامل ۲ بخش اصلی می‌باشد. بخش اول مربوط به ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و حرفه‌ای زنان مورد مطالعه می‌باشد که به‌طور کلی در برگیرنده گویه‌هایی مانند سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل اصلی و سابقه در شغل اصلی می‌باشد. بخش پایانی پرسشنامه شامل گویه‌هایی می‌باشد (۹ گویه) که به بررسی مشکلات و مسائل زنان تولید کننده صنایع دستی در دهستان زردلان در سطح لیکرت پنج قسمتی (از خیلی کم تا خیلی زیاد)، پرداخته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. برای تحلیل آماری از t تک نمونه‌ای استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق:

با توجه به نتایج جدول شماره ۱، میانگین سن زنان عشایر منطقه مورد مطالعه که در تولید صنایع دستی اشتغال دارند برابر با ۴۷/۰۲ سال است. همچنین سابقه تولید صنایع دستی توسط آنها دارای میانگین ۱۷/۰۳ سال می‌باشد که نشان‌دهنده ذوق و گاه‌گاه علاقه‌مندی زنان این منطقه به تداوم سنت‌هایی است که سالیان سال آن را لمس کرده‌اند. علاوه بر این، متوسط تعداد فرزندان زنان مورد مطالعه، که از مد برای محاسبه استفاده شده است، برابر با ۷ نفر می‌باشد. بر اساس نتایج، متوسط (مد) تعداد دام‌های خانوار زنان روستایی، که معیشت اصلی آنان و خانوارهایشان بر اساس آن است، معادل ۶۵ رأس دام بود. کمترین تعداد دام نگهداشته شده در خانوار زنان مورد مطالعه برابر با ۵۰ رأس و بیشترین تعداد دام معادل ۳۵۰ رأس دام بود. همان‌طور که پیداست تکیه معیشتی مردم منطقه مورد مطالعه بیشتر بر دامداری و شرایط نیمه کوچندگی بود، در این راستا تعداد کم قطعات زمین کشاورزی که اغلب به شکل دیم هم بودند دلیل موجهی برای اثبات این گفته است.

جدول ۱- ویژگی‌های شخصی، اجتماعی و اقتصادی زنان عشایر مورد مطالعه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
سن (سال)	۴۷/۰۲	۱۳/۳۶	۱۴	۶۷
سابقه در تولید صنایع دستی (سال)	۱۷/۰۳	۱۱/۷۸	۴	۳۵
تعداد فرزندان*	۷	-	۳	۱۱
تعداد دام*	۶۵	-	۵۰	۳۵۰
تعداد قطعات زمین کشاورزی*	۲	-	۱	۴

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱. * برای این متغیرهای مد استفاده شده است

جدول شماره ۲ میزان تحصیلات و وضعیت تأهل زنان عشایر منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اکثریت (۸۸/۹۴ درصد) زنان تولید کننده صنایع دستی در روستاهای عشایری دهستان زردلان بی‌سواد هستند. همچنین ۸/۹۴ درصد آنها دارای تحصیلات در حد ابتدایی و نهضت و تنها ۲/۱۲ درصد آنها تا حد راهنمایی ادامه تحصیل داده‌اند. این جدول نشان‌دهنده پایین بودن سطح تحصیلات زنان در دهستان مورد مطالعه است. همچنین، زنان تولیدکننده محصولات صنعتی در منطقه مورد مطالعه اکثراً (۴۷/۳۶ درصد) متأهل هستند و ۴۳/۱۶ درصد آنها سرپرست خانوار و ۶/۳۲ درصد آنها مجرد و ۳/۱۶ درصد آنها مطلقه بودند.

جدول ۲- توزیع درصد فراوانی میزان تحصیلات و وضعیت تأهل زنان عشایر نمونه مورد مطالعه

میزان تحصیلات*	فراوانی	درصد	وضعیت تأهل**	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۱۶۹	۸۸/۹۴	مجرد	۱۲	۶/۳۲
نهضت و ابتدایی	۱۷	۸/۹۴	متاهل	۹۰	۴۷/۳۶
راهنمایی	۴	۲/۱۲	مطلقه	۶	۳/۱۶
کل	۱۹۰	۱۰۰	سرپرست خانوار	۸۲	۴۳/۱۶

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱. * مد = بی‌سواد. ** مد = متأهل

در این مطالعه، برای بررسی وضعیت اقتصاد منطقه مورد مطالعه، به بررسی وضعیت اشتغال سرپرست خانوارهای مورد بررسی پرداخته شده است. شیوه معیشت در جوامع عشایر مورد بررسی بیشتر متکی بر دامداری (۶۴/۷۸ درصد) است. در واقع می‌توان عنوان کرد، اقتصاد آنها بر دامداری متکی هست. همچنین از مشاغل دیگر در این منطقه، براساس نتایج به دست آمده کشاورزی - دامداری (۱۱/۰۱ درصد) و کارگری ساده در شهرهای اطراف (۱۱/۰۱ درصد) می‌باشد. در منطقه‌ی مورد مطالعه عشایر نیمه کوچنده می‌باشند. به عبارتی دیگر، تقریباً ۶ ماه از سال (فصل پاییز و زمستان) همه در روستا ساکن هستند و دام‌ها را به صورت روزانه به مراتع طبیعی برده و در طول روز نیز به صورت دستی با علوفه‌ای که قبلاً ذخیره یا خریداری کرده‌اند و یا در زمین‌های ناچیز زراعی خود کشت کرده‌اند، تغلیف می‌نمایند. در این ایام از سال معمولاً بسیاری از مردان آن مناطق به کار-های دیگری از جمله کارگری در شهرهای اطراف مشغول می‌شوند و زنان خانوار تقریباً تمامی فعالیت‌های مربوطه را انجام می‌دهند. در ۶ ماه دوم سال، خانوارها به همراه دام‌های خود به مناطق سردسیر (کوه بان بن) کوچ می‌نمایند و در این دوره دام‌ها از مراتع موجود تغذیه می‌نمایند. زنان عشایر منطقه، در کنار کارهای اصلی مربوط به معیشت دامداری، به تولید صنایع دستی نیز می‌پردازند. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- توزیع فراوانی شغل اصلی سرپرست خانوار زنان نمونه مورد مطالعه

شغل اصلی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
دامدار	۱۲۳	۶۴/۷۸	۶۴/۷۸
کشاورز	۱۲	۶/۳۶	۷۱/۱۴
کشاورز و دامدار	۲۱	۱۱/۰۱	۸۲/۱۵
کارگر	۲۱	۱۱/۰۱	۹۳/۱۶
کارمند	۲	۱/۰۵	۹۴/۲۱
سایر مشاغل	۱۱	۵/۷۹	۱۰۰/۰

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱.

بر اساس نتایج بدست آمده، بیشتر زنان عشایر دهستان مورد مطالعه (۳۰/۵۳ درصد) به مویز بافی اشتغال دارند. همچنین ۱۶/۸۴ درصد آنان به چیت بافی مشغول هستند و ۱۴/۷۴ درصد آنان نیز به تولید وسایل چوبی آشپزخانه مانند ملاقه، قاشق چوبی، تخت گوشت، کاسه‌های چوبی و ... اشتغال دارند (جدول شماره ۴). همچنین، اکثریت زنانی (۳۸/۴۱ درصد) که در صنایع دستی اشتغال دارند میزان درآمد خود را در حد کم برآورد کرده‌اند، ۲۰ درصد آنها درآمد خود را در حد بسیار کم، ۲۵/۲۷ درصد آنها درآمد از صنایع دستی را در حد متوسط بیان کرده‌اند. همچنین، ۱۶/۳۲ درصد زنان روستایی که همان زنان سرپرست خانوار هم هستند و با جدیت بیشتر به امر تولید صنایع دستی اشتغال دارند، میزان درآمد خود را در حد زیاد و بسیار زیاد برآورد نموده‌اند. (جدول شماره ۵).

جدول ۴- توزیع فراوانی نوع محصولات دستی تولیدی زنان عشایر و میزان درآمد از صنایع دستی نمونه مورد مطالعه

متغیرها	گویه‌ها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
نوع صنایع دستی	سیه مال	۱۹	۱۰/۰	۱۰/۰
	مونج بافی	۵۸	۳۰/۵۳	۴۰/۵۳
	جاجیم بافی	۲۱	۱۱/۰۵	۵۱/۵۸
	ابزار کشاورزی	۷	۳/۶۸	۵۵/۲۶
	وسایل چوبی آشپزخانه	۲۸	۱۴/۷۴	۷۰/۰
	گیوه بافی	۲۵	۱۳/۱۶	۸۳/۱۶
	چیت بافی	۳۲	۱۶/۸۴	۱۰۰/۰

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱.

جدول ۵- توزیع درصد فراوانی میزان درآمد زنان عشایری مورد مطالعه از صنایع دستی

متغیرها	گویه‌ها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
میزان درآمد از صنایع دستی	بسیار کم	۳۸	۲۰/۰	۲۰/۰
	کم	۷۳	۳۸/۴۱	۵۸/۴۱
	متوسط	۴۸	۲۵/۲۷	۸۳/۶۸
	زیاد	۲۳	۱۲/۱۱	۹۵/۷۹
	بسیار زیاد	۸	۴/۲۱	۱۰۰/۰
جمع کل		۱۹۰	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱.

پس از بررسی وضعیت درآمد حاصل از تولیدات صنایع دستی زنان عشایر مورد مطالعه و مشخص شدن وضعیت بسیار ضعیف درآمد حاصله از این فعالیت، در این بخش به بررسی علل پایین بودن درآمد حاصله و مشکلات موجود برای تولید این محصولات پرداخته شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود (جدول شماره ۶) برای تعیین مهم‌ترین مشکلات موجود بر سر راه تولید و فروش محصولات صنایع دستی توسط زنان عشایر دهستان زردلان از توابع استان ایلام، از ضریب تغییرات (C.V) استفاده شد. با توجه به میزان ضریب تغییرات بدست آمده، متغیر تکنولوژی ابتدایی برای تولید (ضریب تغییرات ۰/۳۳۰)، متغیر دوری به شهر و انزوای جغرافیایی (ضریب تغییرات ۰/۴۱۰) و نبود مشتری یا نبود تقاضای بالا و همیشگی برای این تولیدات (ضریب تغییرات ۰/۴۵۴) به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پایین بودن درآمد و همچنین بر عدم تولید این محصولات به میزان بالا در منطقه‌ی مورد مطالعه شناخته شده‌اند. برآورد شده است.

جدول ۶- رتبه‌بندی مهم‌ترین مشکلات زنان عشایر تولیدکننده صنایع دستی در منطقه مورد مطالعه

رتبه	مشکلات تولیدکنندگان صنایع دستی	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	تکنولوژی ابتدایی	۲/۹۸	۰/۹۸۶	۰/۳۳۰
۲	دوری به شهر و انزوای جغرافیایی	۲/۴۶	۱/۰۱	۰/۴۱۰
۳	کمبود مشتری	۳/۶۱	۱/۶۴	۰/۴۵۴
۴	عدم وجود بازار برای محصولات تولیدی آنها	۳/۵۰	۱/۸۹	۰/۵۴۰
۵	عدم حمایت مسئولین	۴/۰۸	۲/۴۲	۰/۵۹۱
۶	پایین بودن قیمت محصولات در بازار	۳/۳۱	۱/۹۸	۰/۵۹۸
۷	عدم تبلیغات کافی و اطلاع‌رسانی در جامعه	۲/۴۱	۱/۶۹	۰/۷۰۱
۸	ناتوانی رقابت با محصولات مدرن و غیرسنتی	۳/۰۱	۲/۵۰	۰/۸۳۰
۹	عدم تشکیل کلاس‌های آموزشی	۳/۶۱	۳/۱۱	۰/۸۶۰

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱.

همان‌طور که در جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود، در این بخش از مطالعه به بررسی مهم‌ترین دلایل (پس‌انداز خانوار، درآمد خانوار، رفاه خانوار، مهاجرت خانوار) اشتغال زنان عشایر مورد مطالعه در صنایع دستی پرداخته شده است. بر اساس نتایج بدست آمده مهم‌ترین دلایل اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی در منطقه مورد مطالعه عامل کاهش فشار مالی بر سرپرست خانواده (با ضریب تغییرات ۰/۴۲۷ بوده) است. یعنی زنان در دهستان مورد مطالعه، اشتغال در صنایع دستی را به دلیل کمک به اقتصاد خانواده و کاهش فشار مالی بر سرپرست خانواده خود انتخاب نموده‌اند و در این راستا نقش کمک خرج برای همسران خویش را ایفا نموده‌اند. همچنین شاخص‌های افزایش پس‌انداز مالی و آینده‌نگری و افزایش درآمد خانوار به ترتیب با ضرایب تغییرات ۰/۴۵۱ و ۰/۴۵۵ در رتبه‌های دوم و سوم اهمیت قرار دارند. همان‌طور که گفته شد بسیاری از مردان مناطق مورد مطالعه در ماه‌هایی از سال که در روستا ساکن هستند فعالیت‌های مربوط به دامداری را بر عهده‌ی زن و فرزندان خانوار خود گذاشته و خود برای کارگری و کسب درآمد راهی شهرهای همجوار و یا دیگر شهرهای کشور می‌شوند، که زنان مورد مطالعه عنوان کرده‌اند که برای جلوگیری از این اتفاق، علاوه بر فعالیت‌های روزمره‌ی خود، دست به تولید صنایع دستی

می‌زند تا با درآمد حاصل از فروش آنها بتوانند کمک خرج خانوار خود باشند.

جدول ۷- رتبه‌بندی مهم‌ترین دلایل اشتغال زنان عشایر مورد بررسی در صنایع دستی

رتبه	متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	کاهش فشار مالی بر سرپرست خانواده	۴/۸۹	۲/۳۱	۰/۴۲۷
۲	افزایش پس‌انداز مالی و آینده‌نگری	۳/۹۹	۱/۸	۰/۴۵۱
۳	افزایش درآمد خانوار	۴/۱۹	۱/۹۱	۰/۴۵۵
۴	رفاه اقتصادی و مالی	۴	۲/۵	۰/۶۲۵
۵	امنیت اقتصادی	۴/۰۱	۲/۷۹	۰/۶۹۵
۶	پیشگیری از مهاجرت مولدان خانواده	۳/۱۹	۲/۳۲	۰/۷۲۷

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱.

پس از مشخص شدن مهم‌ترین دلایل اشتغال زنان عشایر مورد بررسی در صنایع دستی، از افراد مورد مطالعه خواسته شد که مشخص کنند با استفاده از تولید صنایع دستی مربوطه چقدر به اهداف مورد نظرشان دست یافته‌اند و به عبارتی، تأثیر اشتغال زنان عشایر در صنایع دستی بر اقتصاد خانوار چقدر بوده است که نتایج آن با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و در جدول شماره ۸ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، t بدست آمده از جدول برابر با ۱۵/۰۱- می‌باشد. منفی بودن t بدست آمده نشان‌دهنده پایین‌تر بودن میانگین متغیر تأثیر اشتغال زنان عشایر منطقه مورد مطالعه بر اقتصاد خانوار از نمره ملاک می‌باشد. پس می‌توان به این نتیجه رسید که اشتغال زنان منطقه مورد مطالعه با توجه به مشکلات موجود عنوان شده، مانند متغیر تکنولوژی ابتدایی برای تولید، متغیر دوری به شهر و انزوای جغرافیایی و نبود مشتری یا نبود تقاضای بالا و همیشگی برای این تولیدات، نتوانسته است بر اقتصاد خانواده‌ی آنها اثرگذار باشد.

جدول ۸- نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای تأثیر اشتغال زنان عشایر در صنایع دستی بر اقتصاد خانوار در منطقه مورد مطالعه

Test Value = 3						تأثیر اشتغال زنان عشایر در صنایع دستی بر اقتصاد خانوار
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig	df	t	
Upper	Lower					
۳/۱۰۱	۲/۵۳۴	۲/۹۲۳	۰/۰۰۰	۱۸۹	-۱۵/۰۱	

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱.

نتیجه گیری:

مهم‌ترین وظیفه‌ای که طبیعت به دلیل توانایی فیزیکی و بیولوژیک زنان به عهده آنان گذاشته است، باروری، جان‌بخشیدن و فرزندزایی، شیردادن، نگهداری و رسیدگی اولیه به کودک است که بقای نسل و اساس هستی انسان‌ها را رقم می‌زند. از طرفی زنان دوشادوش و همراه مرد در سراسر زندگی بشری نقش اساسی بازی کرده و این دو همواره مکمل هم بوده‌اند که این بحث در زندگی روستایی و به‌ویژه در جامعه‌ی عشایری به وضوح قابل مشاهده است. زنان عشایری (نیمه کوچنده) دهستان زردلان، علاوه بر وظیفه طبیعی خود (باروری و تولید نسل) در فعالیت‌های مربوط به خانه و فعالیت‌های مربوط به دامداری همواره نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و دارند. همچنین، بسیاری از زنان عشایری برای کمک به معیشت خانوار و جلوگیری از مهاجرت مرد خانوار برای کسب درآمد به شهرها دست به تولید صنایع دستی می‌زنند. با تولید صنایع دستی با کیفیت توسط زنان عشایری مورد مطالعه و در صورت وجود بازار مناسب و متقاضی کافی می‌توان شاهد رونق گرفتن تولید آن محصولات و همچنین افزایش درآمد خانوار و بالا رفتن سطح کیفیت زندگی خانوارهای عشایری دهستان زردلان بود.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد، با وجود اشتغال زنان عشایری (نیمه کوچنده) دهستان زردلان در صنایع دستی و تولید محصولات مختلف خاص آن منطقه، ۵۸/۴۱ درصد آنها عنوان کرده‌اند که درآمد حاصل از فروش صنایع دستی تولیدی توسط آنها در حد کم و بسیار کم می‌باشد و تنها ۱۶/۳۲ درصد آنها میزان درآمد حاصله را از این طریق در حد زیاد و بسیار زیاد عنوان کرده‌اند. پس از اینکه مشخص شد عدم رضایت اکثریت زنان عشایری مورد مطالعه از درآمد حاصله از تولید صنایع

دستی، به بررسی دلایل این امر پرداخته شد که نتایج مشخص کرد عوامل ابتدایی بودن تکنولوژی برای تولید (باعث عدم توان رقابت با تولیدات صنعتی می‌شود)، دوری به شهر و انزوای جغرافیایی (موجب عدم دسترسی آسان خریداران به آن منطقه و به طبع آن نبود مشتری دائمی و یا نبود بازار خاص فروش این محصولات شده و همچنین باعث عدم اطلاع از سلیق جدید مشتریان نیز خواهد شد) مهم‌ترین دلایل پایین بودن و عدم رضایت افراد مورد مطالعه از درآمد حاصل از تولیدات صنایع دستی در آن منطقه است. به طور کلی، با توجه به مطالب شرح داده شده و نتایج به دست آمده، مشاهده می‌شود که اشتغال زنان منطقه مورد مطالعه با توجه به مشکلات موجود عنوان شده، نتوانسته است بر اقتصاد خانواده‌ی آنها اثرگذار باشد.

منابع و مأخذ:

۱. اوتادی، مریم (۱۳۸۷): «تأثیر اشتغال زنان بر سلامت روان همسرانشان»، مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان، سال ۴، شماره ۱۲، تهران، صص ۹۷-۱۳۱.
۲. اولیائی، اسماعیل (۱۳۶۹): بررسی اقتصادی اجتماعی اسکان عشایر، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، انتشارات سازمان امور عشایر ایران.
۳. ایمان، محمدتقی و لیلا بهمنی (۱۳۹۱): «تأثیر اشتغال زنان بر ساختار توزیع قدرت در خانواده مطالعه موردی شهر شیراز»، فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۶، شماره ۱۹، شوشتر، صص ۲۶-۱.
۴. باقری، معصومه، ملتفت، حسین و هدایت شریفیان (۱۳۸۸): «بررسی تأثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده»، مجله خانواده پژوهی، سال ۵، شماره ۱۸، تهران، صص ۲۶۲-۲۴۷.
۵. پاپزن، عبدالحمید و نشمیل افشارزاده (۱۳۸۹): «دانش بومی شناسایی، تولید مثل و به‌گزینی دام در میان عشایر کوچنده ایل کلهر»، مجله روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۴، تهران، صص ۱۸۰-۱۶۱.
۶. پاپزن، عبدالحمید، خوشقدم، خالدی و عادل سلیمانی (۱۳۹۰): «ارزشیابی آموزش‌های فنی حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی»، مجله جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره سوم، مردشت، صص ۳۷-۲۱.
۷. پارسایی، الهام (۱۳۸۶): نگاهی به چالش‌های پیش‌روی توسعه صنایع دستی، روزنامه همبستگی.
۸. توسلی، افسانه و وحیده انصاری (۱۳۹۰): «تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهر ایوانکی»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳، تهران، صص ۱۴۹-۱۳۳.
۹. جمشیدی، فاطمه (۱۳۹۱): بررسی عوامل موثر بر اشتغال زنان روستایی در استان ایلام: مورد شهرستان شیروان و چرداول، پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه گیلان.
۱۰. جواهری، فاطمه، سراج‌زاده، سیدحسین و ریثا رحمانی (۱۳۸۹): «تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه وردی: زنان شاغل در وزارت جهاد کشاورزی)»، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، شماره ۲، تهران، صص ۱۶۲-۱۴۳.
۱۱. حیدری، غلامرضا و فهیمه جهان‌نما (۱۳۸۲): «توانایی‌های زنان در اقتصاد تولیدی عشایر»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۶، تهران، صص ۱۶۴-۱۲۹.
۱۲. خاکی‌پور، لیلا، بارانی، حسین، دریجانی، علی و رضا کریمیان (۱۳۹۰): «بررسی سهم مرتع در درآمد دامداری خانوار عشایری (مطالعه موردی: حوزه آبخیز همیان)»، مجله مرتع، سال ۵، شماره ۴، تهران، صص ۴۳۷-۴۳۰.
۱۳. دهقانی، امین، صیدایی، اسکندر، و سیروس شفقی (۱۳۹۱): «سنجش و بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در کانون‌های اسکان عشایری، مطالعه موردی: کانون‌های اسکان عشایری استان‌های فارس و اصفهان»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال ۱۲، شماره ۲۷، تهران، صص ۹۶-۷۷.
۱۴. رستمی، مصطفی (۱۳۸۳): «بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان ساری)»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۳، ساری، صص ۶۵-۴۰.

۱۵. رضادوست، کریم و محمدعلی مومبینی (۱۳۹۰): «بررسی عوامل مؤثر بر بکارگیری رنگ‌ها در صنایع دستی ایل بختیاری»، فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۱، شماره ۱، شوشتر، صص ۸۷-۱۱۲.
۱۶. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸): «اشتغال زنان؛ عوامل، پیامدها و رویکردها (از نگاه مدیریت اجتماعی)»، اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفت‌وگوها)، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران، صص ۱۰۳-۲۱.
۱۷. شکور، علی، طبیبی، حمیدرضا، باقرزاده، محمدصادق و غلامعباس واحدپور (۱۳۹۲): «سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۹، مردودشت، صص: ۱-۱۱.
۱۸. صادق مغانلو، حسینعلی (۱۳۸۹): «توانمندی‌های زنان عشایری استان اردبیل در گردشگری عشایری استان»، ماهنامه تازه‌های کشاورزی، شماره ۲۱-۹۲، مشهد، صص ۲۰-۲۵.
۱۹. صیدائی، سید اسکندر (۱۳۸۹): «بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی (نمونه‌های مورد مطالعه: بکان، گل افشان و قراب)»، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۷، مشهد، صص ۱۶۶-۱۳۹.
۲۰. علیپور، حیدررضا و کبری مجنون (۱۳۹۱): «تحلیل اقتصادی صنایع دستی و نقش آن در توسعه اقتصادی استان گیلان»، مجله گیلان ما، سال دوازدهم، شماره ۲، پیاپی ۴۷، رشت، صص ۱۴۲-۱۲۶.
۲۱. عنایت، حلیمه و منصوره، دسترنج (۱۳۸۷): «بررسی رابطه اشتغال زنان با عزت نفس آنان با تأکید بر عوامل جمعیتی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۷، شماره ۱، شیراز، صص ۹۶-۸۱.
۲۲. فلاح شمسی، سید رشید و زهرا بیروتی (۱۳۸۷): «وضعیت اشتغال زنان در تعاونی‌های کشاورزی و نابع طبیعی مطالعه منطقه‌ای استان فارس»، مجله جنگل و مرتع، شماره ۸۰ و ۷۹، تهران، صص ۸۲-۷۴.
۲۳. فلاح‌تبار، نصرالله (۱۳۸۹): جهانی‌شدن، صنایع دستی عشایر و تأثیرگذاری آن در بقاء و تداوم نظام عشایر، دومین همایش ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری؛ فضای جغرافیایی، رویکرد آمایشی و مدیریت محیط، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.
۲۴. کرمی، مهرداد، چوپچیان، شهلا و خلیل کلانتری (۱۳۹۱): «برنامه‌ریزی فضایی به‌منظور مکانیابی بازارچه‌های صنایع دستی (مطالعه موردی: استان خراسان جنوبی)»، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۴، شماره ۱۵، اصفهان، صص ۳۶-۲۱.
۲۵. محبوبی، محمدرضا (۱۳۷۴): «ضرورت شمول نظام آموزش ترویج بر زنان روستایی. اقتصاد کشاورزی و توسعه»، ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی، تهران، صص ۲۵۱-۲۳۹.
۲۶. مهدوی، مسعود، رضایی، پژمان و مجتبی قدریری معصوم (۱۳۸۶): «روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن در استان چهارمحال و بختیاری»، مجله روستا و توسعه، سال دهم، شماره ۱، تهران، صص ۶۲-۴۱.

27. Quian, F.Z, and Zi.P, (2011): Women s Entry Into Self-Employment In Urban China: The Role Of Family In Creating Gendered Mobility Pattern, World Development, Vol. 40, No.6, pp 1201-1212.